

نگاهی به تاریخ و جذابیت‌های ناگفته ایوان شمالی صحن انقلاب

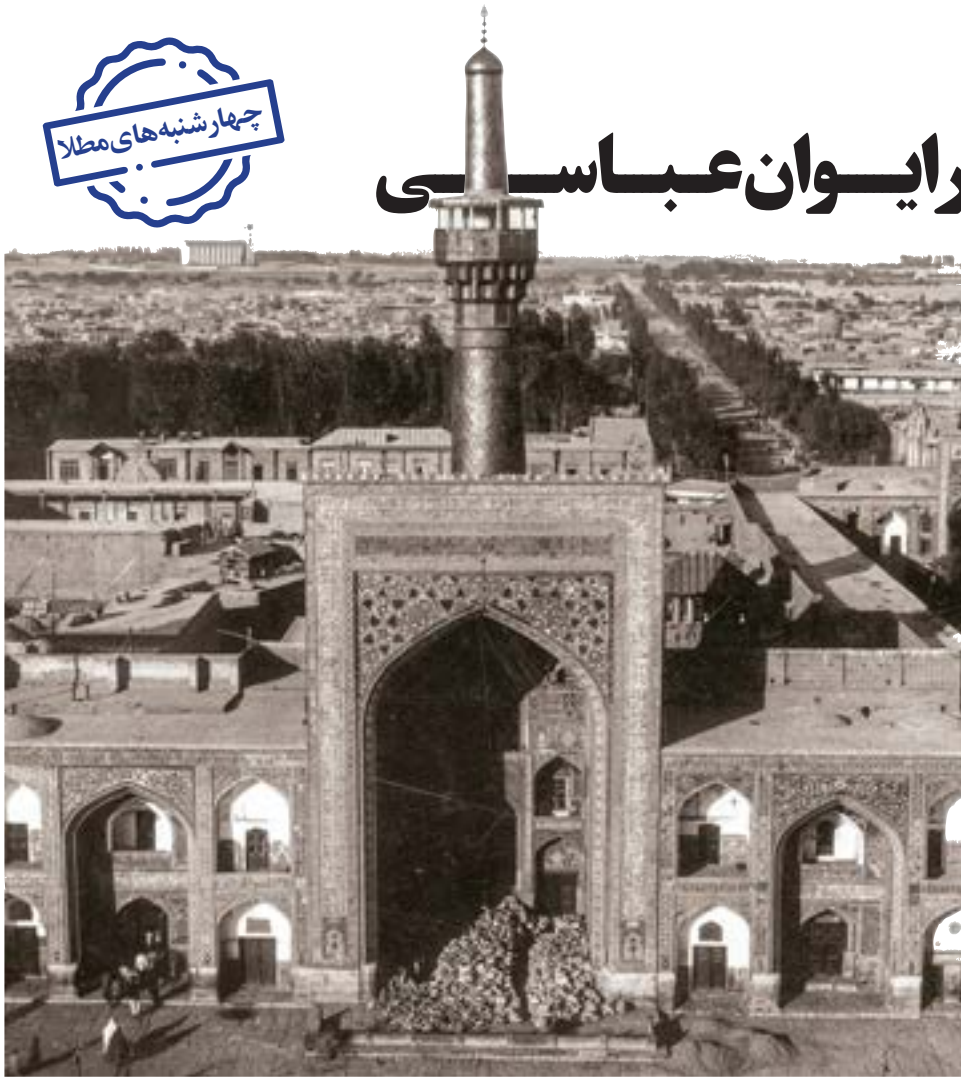
شکوه کتیبه‌ها و نقش‌کاشی‌ها در ایوان عباسی

مرضیه ترابی؛ **صحن کهنه** یا همان **صحن انقلاب** - به شکل امروزی‌اش - در سال ۱۰۱۰ قمری/ ۹۸۰ خورشیدی (حدود ۴۲۳ سال قبل) و به دستور شاه عباس یکم صفوی ساخته شد. او بالاخره توانست از یکان را از حریم خراسان بتاراند و بعد از پیاده‌روی مشهورش از اصفهان تا مشهد (طی ۲۸ روز) فرمان توسعه عمرانی حرم امام‌رضا^(ع) را صادر کرد و طرح فعلی صحن کهنه، ذیل همین فرمان ریخته شد. اینکه می‌گوییم «طرح فعلی» یا «شکل امروزی»، از آن روست که نخستین اقدام برای تأسیس صحنی در شمال روضه منوره حرم مطهر، در حدود سال ۸۷۵ قمری/ ۸۴۹ خورشیدی، بیش از ۱۳۰ سال قبل از اقدام شاه‌عباس یکم صفوی صورت گرفت؛ زمانی‌که امیرعلیشیرنوایی در ادامه فعالیت‌های عمرانی و سازمانی‌اش در حرم مطهر، در فضای مقابل ایوانی که شمال روضه منوره ساخته بود، صحنی بنا کرد که حدود یک چهارم اندازه فعلی صحن کهنه بود، صحنی که شاه عباس یکم بنیان نهاد. در واقعه توسعه صحن نخست محسوب می‌شد، چنان‌که اسکندریک منشی در «عالم‌آرای عباسی» می‌نویسد: «رای جهان‌آرا که به معموری اقطاع و آبادی اصقاع و تعمیر بقاغ و رباع مقطور و همگی نیت خیر امنیت بدان مقصود است، به توسیع صحن مبارک روضه مقدس متعلق گشت. چون صحن سابق در نظر همت والا تنگ و حقیر می‌نمود، این صحن ۳۸/۰۴ متر طول و ۵۲/۴۴ متر عرض دارد (طبق گزارش استاد عزیزا... عطاردی در جلد نخست «تاریخ آستان قدس رضوی») و مساحت آن حدود ۷۲۳۵ مترمربع است. معمار صحن برای آن چهار ایوان و دوازده صفه (ایوان کوچک) در نظر گرفت که یکی از ایوان‌ها، همان ایوان علیشیرنوایی بود و یکی از صفه‌ها نیز با پنجره فولاد پوشانده شد. در میان ایوان‌های صحن کهنه، ایوان شمالی آن که به «ایوان عباسی» شهرت دارد، دارای ویژگی‌های منحصر به‌فردی است که شاید مخاطبان این نوشتار، کمتر با آن آشنا باشند؛ به‌همین دلیل، گزارش پیشی‌رو را به بررسی این ویژگی‌ها اختصاص داده‌ام، امید که مورد توجه دوستان‌دان فرهنگ رضوی قرار گیرد.



سخنی در باب کتیبه‌های ایوان عباسی

حال که سخن به اینجا رسید، مناسب است چندکلمه هم درباره دیگر کتیبه‌های ایوان عباسی صحبت کنیم. این ایوان نه فقط از حیث تاریخ‌های گوناگون و متنوع در کتیبه‌ها، بلکه از نظر شیوه نگارش و نوع خط نیز تنوع فوق‌العاده‌ای دارد و حتی می‌توان سیر تکامل خط نستعلیق را در آن مشاهده کرد. در فضای داخل گنبد، دو کتیبه به خط محمدرضاامامی وجود دارد که بخش‌هایی از دعای «نادعلی» است و از معبود آثار نستعلیق مربوط به دوره صفویه و شخص محمدرضاامامی در حرم مطهر امام‌رضا^(ع) محسوب می‌شود؛ به این ترتیب مانمونه‌ای از خط نستعلیق محمدرضاامامی را که به نگارش خط ثلث شهرت دارد، در این ایوان مشاهده می‌کنیم. در فضای محراب میانه ایوان، کتیبه‌ای از دوره محمدشاه قاجار دیده می‌شود که دچار یک ایراد تاریخی در متن است؛ «اَمَرِ یَتَعَمِّرُ هَذِهِ الْعِمَارَةَ الْبَارِکَةَ الْعَبَّاسِیَّةَ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمُ الْأَكْرَمُ وَ الْخَاقَانِ الْمُعَظَّمُ مُحَمَّدُ شَاه قَاجَر خَلْدَاللهِ مُلْکُهُ وَ یَزُهُ وَ اِحْسَانُهُ فِی سَنه ۱۲۱۱». ذکر تاریخ ۱۲۱۱ قمری، اصولاً هیچ تناسبی با دوره محمدشاه قاجار ندارد. می‌دانیم که او از جمادی‌الثانی سال ۱۲۵۰ قمری به حکومت رسید و پیش از وی، فتحعلی‌شاه قاجار نیز از عید فطر سال ۱۲۱۲ قمری فرمانروای ایران بود؛ بنابراین، تاریخ مذکور مربوط به دوره آقامحمدخان قاجار و بعد از تسلط او بر مشهد و برانداختن بازماندگان افشاریه است. احتمالاً تاریخ کتیبه مورد بحث، بخشی از کتیبه دیگری بوده که به کتیبه دوره محمدشاه الحاق شده‌است؛ به‌همین دلیل باید تاریخ این کتیبه را متعلق به همان کتیبه ازبین‌رفته بدانیم که احتمالاً به فرمان آقامحمدخان قاجار ساخته و نصب شد. استاد عزیزا... عطاردی در جلد نخست «تاریخ آستان قدس رضوی» به این درهم‌ریختگی در بازسازی و ترمیم کاشی‌های ایوان عباسی اشاره می‌کند. اما به رفع معضل تاریخ ۱۲۱۱ قمری نمی‌پردازد. علاوه بر کتیبه مذکور، کتیبه دیگری هم در حاشیه محراب وجود دارد که متن آن «صلوات خاصه پیامبر خدا و اهل بیت صمت و طهارت علیهم‌السلام» و احتمالاً مانند کتیبه محمدشاه، توسط محمدحسین شهیدی مشهدی به رشته تحریر درآمده است. در کنار این کتیبه‌های نفیس، کتیبه دیگری مربوط به «سوم رجب‌المرحرب ۱۳۹۹» (دوران جمهوری اسلامی) نیز در فضای بالای محراب وجود دارد که به خط نستعلیق بسیار ممتاز و زمینه لاچوردی است؛ «به رسم حق شناسی از مبارزات حق طلبانه ملت مسلمان ایران به رهبری حضرت‌آیت...العظمی‌امام خمینی معّ...المسلمین بطول بقائه و یادبود شهدا و مصدومین در این مکان شریف اینجا به صحن انقلاب نام‌گذاری شد».



معمای نام ایوان

سنگ بنای ایوان عباسی در همان سال ۱۰۱۰ قمری گذاشته شد؛ بنابراین باید آن را از آثار دوره شاه‌عباس یکم بدانیم. شاید برخی گمان کنند که دلیل نام‌گذاری ایوان نیز همین باشد؛ درحالی‌که ظاهراً چنین نیست. هرچندکه اصل بنا در دوره شاه‌عباس یکم ساخته شده است، اما به احتمال زیاد نام‌گذاری ایوان مربوط به کتیبه موجود در پیشانی آن باشد؛ کتیبه‌ای مربوط به دوران شاه‌عباس دوم صفوی (درگذشته سوم مهرماه ۱۰۴۵ خورشیدی) و با خط هنرمندانه محمدرضا امامی؛ کتیبه‌ای به خط ثلث زردرنگ، درون زمینه لاچوردی؛ «اَمَرِ یَتَعَمِّرُ هَذِهِ الْاِیْوَانُ الْکِبَارَکَةُ الْاَوْصِیَهِ السُّلْطَانِ الْاَعْظَمِ وَ الْخَاقَانِ الْمُعَظَّمِ مَالِکِ الرَّقَابِ الْاَثَمِ مَوْلِی الْمُلُوکِ الْقَرَبِ وَ الْعَجْمِ السُّلْطَانِ الْاَبُو الْمُظَفَّرُ شَاه عَبَاس الثَّانِی الصَّفَوِی الْمَوْسَوِی الْحَسِیْنِی یَهَادُ رِخَان خَلْدَاللهِ مُلْکُهُ/ کتیبه محمدرضاامامی». ظاهراً در عهد حکومت شاه‌عباس دوم، هم بنای ایوان به پایان رسید، هم کار کاشی‌کاری نفیس آن خاتمه یافت، اما نیاز به تعمیراتی بیش آمد که در این دوره انجام گرفت و شاید بهانه‌ای شده که فرمانروای صفوی نام خود را بر کتیبه موجود در حرم رضوی ثبت کند تا از رویکرد پدرانش عقب نماند. پیش از وی، شاه‌صفی کتیبه‌ای را بر فراز چهارچوب در بیرونی ایوان شرقی صحن کهنه (نقاره‌خانه فعلی) نصب کرد که به تعمیرات و اقداماتش اختصاص داشت و بی‌شک شاه‌عباس دوم نیز مایل به ثبت چنین اثری در حرم رضوی بود. مشهور است که این فرمانروای صفوی، اهتمام فراوانی به امور عمرانی داشت؛ بااین‌حال، کار شاه‌عباس دوم نیز پس از چندی، گرفتار فرسایش و تخریب شد و در ادوار بعد، کاشی‌های جدیدی جای کاشی‌های قدیمی را گرفت؛ چنان‌که کاشی حاشیه ایوان در سال ۱۲۶۲ قمری/ ۱۲۲۵ خورشیدی تعویض و با کتیبه‌ای به خط چشم‌نواز محمدحسین شهیدی مشهدی و با متن سوره مبارکه جمعه جایگزین شد.



چند نکته تکمیلی

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ایوان عباسی مسیری عمومی برای ورود و خروج به صحن کهنه نبود. این ایوان به دلیل قرار گرفتن در فضای رویه‌روی ایوان و گنبد طلا، مکانی برای برگزاری مراسم گوناگون و مجالس درس محسوب می‌شد. در مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند‌های مربوط به کاربری ایوان عباسی در مراسم مختلف، به ویژه عیاد مذهبی مانند عید قربان و عید فطر وجود دارد. علاوه بر این‌ها، ایوان عباسی محل استقرار قدیمی‌ترین ساعت بزرگ حرم رضوی است که در سال ۱۱۱۴ خورشیدی در این مکان نصب شد و اخیراً جواد نوائیان رودسری در یادداشت مفصّلی با عنوان «ناگفته‌های ساعت فراموش شده و ۲۸۹ ساله حرم مطهر رضوی» به آن پرداخته است. برخلاف باور بسیاری از افراد که ساعت مظفری را قدیمی‌ترین ساعت حرم رضوی می‌دانند، ساعت نادری قدمتی به مراتب بیشتر دارد و از مزیت ساخت تمام ایرانی هم برخوردار است. این ساعت در دوره قاجار، به دلایلی که فعلاً از آن اطلاع نداریم برچیده شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، در فضای پشت ایوان عباسی، بیست شیخ طبرسی را بنا کردند و دو مسیر از دو صفه دو سوی داخل ایوان، به طرف بست جدید باز شد.



میراث باشکوه عصر گوهرشاد

ترابی‌در تاریخ حرم رضوی، عصر گوهرشاد به دوره‌ای اطلاق می‌شود که با اقدامات عمرانی گوهرشادبیگم از حدود سال ۸۱۰ قمری آغاز شد و تا پایان عمر سلطان حسین باقرای تیموری در سال ۹۱۱ قمری، به مدت حدود یک قرن ادامه داشت. در این صد سال، تلاش‌های فراوانی برای تبدیل مشهد به یک مرکز زیارتی پررونق صورت گرفت. اماکن متبرکه توسعه‌ای بی‌سابقه یافت و با تلاش‌های شخص گوهرشادبیگم و دیگر بزرگان عصر تیموری، مانند امیرعلیشیرنوایی، در این دوره مدارس و بناهای باشکوهی در مشهد ساخته شد؛ بااین‌حال، زمانی که از میراث این دوره سخن به میان می‌آید، اذهان بر بنای فاخر مسجد گوهرشاد و نیز آبنیه چشم‌نواز اطراف روضه منوره محدود و محیط می‌شود، درحالی‌که در مجاورت مسجد جامع و حرم مطهر، ساختمان‌هایی وجود دارد که در حافظه تاریخی آن‌ها می‌توان نشانی از عصر باشکوه گوهرشاد در مشهد یافت. یکی از این بناها که امروزه به بخشی از اماکن متبرکه و دارالقرآن حرم رضوی تبدیل شده، مدرسه تاریخی «دوره» است؛ مدرسه‌ای که روزگاری، ورودی آن در حاشیه بازار مشهور زنجیر و در امتداد بازار بزرگ مشهد قرار داشت. این مدرسه که در قدیم، مدرسه «خواجه یوسف» نامید می‌شد، توسط امیرغیاث‌الدین خواجه یوسف بهادر (از آرمای دوره تیموری) و در سال ۸۴۳ قمری، حدود بیست سال بعد از پایان ساخت مسجد جامع گوهرشاد ساخته شد و احتمالاً مقبره بان‌ی این بنای مُعظّم، زیر یکی از دوگنبد زیبایی آن قرار دارد. این مدرسه در زمان حکومت شاهرخ و هنگام حیات گوهرشادبیگم ساخته و افتتاح شد، با مساحتی حدود پانصد مترمربع و ۳۲ خُجْره برای اقامت طلاب علوم دینی، مدرسه خواجه یوسف، با معماری دوگنبدی و منحصر به‌فرد خود، طی چند قرن فعالیتش، بارها تعمیر شده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مربوط به سال ۱۰۸۸ قمری و دوران شاه‌سلیمان صفوی است. عملیات ترمیم در این سال با حمایت مالی مادر فرمانروای صفوی انجام شد و احتمالاً خرابی‌های مربوط به زلزله سهمگین سال ۱۰۸۴ قمری را برطرف کرد. مدرسه «دوره» یا «خواجه یوسف» از آسیب‌های تخریب بزرگ سال ۱۳۵۴ خورشیدی مصون ماند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دوباره تعمیر اساسی و از سال ۱۳۸۰ خورشیدی به دارالقرآن کریم حرم مطهر امام‌رضا^(ع) تبدیل شد. تصویر امروز فتوحرم مربوط به سال ۱۲۵۵ خورشیدی و در بحبوحه تخریب بزرگ گرفته شده است. عکاس آن علی اصغر ناصری است. در این تصویر می‌توان آجرهای لعاب‌دار قدیمی (احتمالاً مربوط به دوره صفویه) را بر فراز دوگنبد مدرسه دید. این گنبد‌ها در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی به صورت فاحری ترمیم شد و امروزه می‌توانید در زاویه صحن جمهوری اسلامی در حرم رضوی، زیبایی آن‌ها را با دقت بیشتری ببینید.

فوتو حرم

چهارشنبه‌های مطلا

گزارش جیبی

بهزاد چوپانکاره از احیای خانه‌های تاریخی شهر می‌گوید

خانه‌های تاریخی مثل ریه‌های شهر هستند



مریم دهقان، این روزها متأسفانه از تاریخ مشهد، با قدمت ۱۲۰۰ ساله‌اش، جز مجموعه حرم مطهر رضوی و چندبنای دیگر یادگار شاخصی باقی نمانده است. بافت تاریخی مشهد از نیمه دوم قرن گذشته و به ویژه دوسه دهه اخیر بسیار دستخوش تغییر شده‌است؛ بااین‌همه، در سال‌های اخیر شاهد طرح‌ها و مطالعاتی درباره احیای دوباره بافت تاریخی مشهد از سوی سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف از جمله شهرداری هستیم که احیا و تغییر کاربری خانه‌های تاریخی از آن جمله است.

مدیر پروژه‌های ساماندهی بافت تاریخی سازمان عمران و بازآفرینی فضای شهری مشهد معتقد است که وقتی از مشهد می‌گوییم، درباره شهری متفاوت در کشور صحبت می‌کنیم که از جهت وسعت، قدمت و ویژگی‌های دیگر مانند بافت شهری و موقعیت اجتماعی و سوق الجیشی منحصربه‌فرد است و همه این‌ها به دلیل حضور حضرت‌رضا^(ع) در این شهر است؛ قرار گرفتن مشهد در جاده ابریشم، وجود مفاخر علمی و ادبی و به طور ویژه پایگاه مذهبی جهان شیعه از ابتدائات امروز از ظرفیت‌های انکارناپذیر مشهد است؛ اما اگر بخواییم نگاه ویژه‌تری به بافت تاریخی آن داشته باشیم، نقشه‌ها و عکس برداری‌هایی که شده‌است، نشان می‌دهد که مشهد، براساس نقشه مصوبی که سال ۱۳۹۴ ابلاغ شد، ۲ هزار و ۶۶۷ هکتار بافت تاریخی دارد. همین است که حرکت در مسیر احیای بافت تاریخی مشهد توسط سازمان عمران و بازآفرینی شهری از سال ۱۳۹۷ شروع شد و تا کنون اتفاقات زیادی در شهر رخ داده‌است که راه‌اندازی دفترهای تسهیلگری، مطالعه روی گذرهای تشریف قدیمی مشهد، گذرهای تاریخی و خانه‌های تاریخی از آن جمله است.

● احیا و ماندگاری خانه‌های تاریخی با مشارکت مالکان چوپانکاره درباره احیای خانه‌های تاریخی مشهد چنین می‌گوید: «نگاه ما این است که این خانه‌ها و گذرهای تاریخی که منجر به هویت بخشی شهر مشهد شده‌اند و محلی برای زنده بودن و تنفس تاریخی شهر برای مجاوران و زائران هستند با نگاه مشارکتی مردم رونق گیرند و صاحبان و وارثان خانه‌های تاریخی در احیای آن‌ها مشارکت داشته باشند، مانند خانه تاریخی هزارستان که مالک شخصی با هزینه خود آن را به یک فضای زیبا و دلنشین برای مردم شهر تبدیل کرده است.

علاوه بر این مکان، یازده خانه تاریخی دیگر نیز در مشهد وجود دارد که آن‌ها را فعال کرده‌ایم و به زودی دو خانه تاریخی دیگر با همراهی مالک شخصی و بهره برداری سازمان گردشگری مشهد افتتاح خواهد شد. نکته حائز اهمیت در احیای بافت تاریخی مشهد این است که ما به دنبال تملک خانه برای خرید یا مرمت و نمایش ابعاد و اندازه آن نبودیم، بلکه به دنبال این بودیم که مالکان پای کار بیایند؛ زیرا وقتی مالک، خانه را فعال می‌کند، نوع روایت‌ها نیز متفاوت است و حال خوبی برای مردم شهر رقم می‌خورد. من معتقدم که روایت خانه‌های تاریخی، شهر را می‌سازد، سبک زندگی افراد را به نمایش می‌گذارد و آشنایی با این افراد حس تازگی به بازدیدکنندگان می‌بخشد؛ به عنوان مثال وقتی مالک خانه تاریخی آیت... ابوالقاسم سربانی تلاش می‌کند داستان روضه ۱۵۰ ساله‌ای را که در دهه محرم هنگام اذان صبح برگزار می‌شد بازگو کند یا مالک خانه تاریخی احمدیان از پدر بزرگ بزارش می‌گوید و اسناد و عکس‌های تاریخی این خانواده را به نمایش می‌گذارد روایت‌های منحصر به فردی در دل شهر شکل می‌گیرد که قصه‌های شهر را جذاب‌تر و دل چسب‌تر می‌کند.»

● پلاک‌کوبی هویتی، اقدامی مؤثر برای حفظ بافت تاریخی شهر



او ادامه می‌دهد: «خانه‌های تاریخی مثل ریه‌های شهر هستند، نگهداری و مراقبت از این بافت‌های تاریخی موجود با احیاشده دو سو دارد؛ یک سو آن به شهروندان برمی‌گردد که علاوه بر ارتباط برقرار کردن با هویت تاریخی شهر، به گونه‌ای از آن استفاده کنند که دیگران و آیندگان هم سهمی در این تنفس تاریخی داشته باشند. در سوی دیگران مدیران شهری قرار دارند که فضایی مناسب برای شهروندان فراهم کنند تا از آن لذت ببرند و در برنامه‌ریزی آینده شهر نیز این موضوع را مدنظر قرار دهند و هویت بافت‌های تاریخی را حفظ کنند.

از این جهت مسئله بازآفرینی خانه‌های تاریخی یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند این نگاه و ساختار را پیش ببرد و از آن حمایت کند؛ همچنین باید توجه داشت هر شهر، هویت مخصوص به خود را دارد و نباید مشهد با دیگر شهرها مثل یرد، اصفهان یا شیراز مقایسه شود و باید هویت منحصربه‌فرد خود را شکل بدهد، لذا خرده روایت‌های هویت شهر مشهد باید شناسایی شود. یکی از اقداماتی که می‌توان در جهت حفظ هویت تاریخی شهر انجام داد پلاک‌کوبی هویتی است که تا به حال در این زمینه اقدامی صورت نگرفته است. ما شخصیت‌های برجسته، مکان‌های تاریخی و محله‌های قدیمی زیادی در مشهد داریم که هنوز بسیاری از آن‌ها برای شهروندان مشخص نشده‌اند.

درحالی‌که موضوع پلاک هویتی در شهرهای تاریخی خارج از کشور به خوبی دیده می‌شود، به عنوان مثال خانه‌ای را که فلان نویسنده معروف برای مدت کوتاهی در آن اقامت داشته است پلاک هویتی زده‌ند و از آن مراقبت می‌کنند و این‌ها در حالی است که شهر مشهد یکی از پایه‌های هویت شعر و شاعری و فرهنگ ایران است و همه شاعران بزرگ کشورمان در مشهد رفت‌وآمد داشته‌اند. «انجمن فرخ»، یکی از قدیمی‌ترین انجمن‌های ادبی ایران، در مشهد شکل گرفت؛ همچنین در حوزه معماری، خراسان اولین صاحب سبک حوزه معماری است و حتی پزشکان و عالمان و واقفان و هنرمندان زیادی در این شهر زندگی کرده‌اند اما به اندازه‌ای که بایسته و شایسته است اقدامی برای حفظ این گنجینه‌های ارزشمند صورت نگرفته است.»